

# تاریخ اندیشه در چین

از کنفوسیوس تا مائو دسه- دونگ

## هرلی گلسنر کریل

مترجم

مرضیه سلیمانی

۲	.....	دیباچه مترجم
۱۳	.....	فهرست
۱۷	.....	۱ نظرگاه چینی
۲۷	.....	۲ پیش از کنفوسیوس
۲۳	.....	۳ کنفوسیوس و تلاش برای سعادت انسان
۶۵	.....	۴ سو-تزو و جستجوی نظم و آرامش
۸۹	.....	۵ مکتبوس و تأکید بر برشت انسان
۱۱۵	.....	۶ شکاکیت عرفانی دانینگ
۱۲۶	.....	۷ اقتدارگرایی هوانگ
۱۶۱	.....	۸ تعالیم خرافات فائو-یائو
۱۸۷	.....	۹ تقاطع های مکتبوس
۲۱۵	.....	۱۰ آیین برداری زینگ-کائو
۲۳۷	.....	۱۱ واکنش در مقابل تفکر کنفوسیوس
۲۶۷	.....	۱۲ نفوذ فریبده
۲۸۱	.....	۱۳ بازار اندیشه
۲۸۷	.....	یادداشت ها
۳۱۱	.....	کتابنامه
۳۱۷	.....	مناظر برای مطالعه بیشتر
۳۶۱	.....	سپاس



نقشنامه  
تهران  
۱۳۹۳

## فهرست

۷	..... دیاچه‌ی مترجم	
۱۳	..... مقدمه	
۱۷	..... نظرگاه چینی	۱
۲۷	..... پیش از کنفوسیوس	۲
۴۳	..... کنفوسیوس و تلاش برای سعادت انسان	۳
۶۵	..... مو دزو و جست‌وجوی نظم و آرامش	۴
۸۹	..... منسیوس و تأکید بر سرشت انسان	۵
۱۱۵	..... شکاکیت عرفانی دائویی‌ها	۶
۱۳۹	..... اقتدارگرایی هسون دزو	۷
۱۶۱	..... تمامیت‌خواهی قانون‌باوران	۸
۱۸۷	..... التقاطی‌های سلسله‌ی هان	۹
۲۱۵	..... آیین بودایی و نوکنفوسیوسی	۱۰
۲۴۷	..... واکنش در مقابل آیین نوکنفوسیوسی	۱۱
۲۶۷	..... نفوذ غرب	۱۲
۲۹۱	..... بازاندیشی	۱۳
۲۹۷	..... یادداشت‌ها	
۳۱۱	..... کتاب‌نامه	
۳۱۷	..... منابعی برای مطالعه‌ی بیش‌تر	
۳۲۱	..... نمایه	

## فصل یکم نظرگاه چینی

به مدت یک قرن، دو شیوه‌ی زندگی و تفکر، جهت تسلط بر مردم چین، با یکدیگر در نزاع بوده‌اند. یکی از این شیوه‌ها روش زیست و تفکر غربی و دیگری طریقه‌ی نیاکان و اسلاف خود چینی‌هاست. یکصد سال قبل، هر فرد چینی به شدت راه دوم را ترجیح می‌داد. چینی‌ها از دیرباز خویششان را باهوش‌تر و فرهیخته‌تر و لایق‌تر از سایر مردم می‌پنداشتند. اما یک رشته از ضربه‌های غیرمنتظره به تدریج این اعتماد به نفس و خودباوری چینیان را تضعیف کرد. آن‌ها دریافتند که به لحاظ نظامی قادر نیستند از خود محافظت کنند. مرزهایشان مورد حمله قرار گرفت و چینی‌ها مجبور شدند، علی‌رغم میل باطنی‌شان، به اروپایی‌ها و امریکایی‌ها اجازه دهند در کشورشان زندگی کنند و این خود تهاجمات نگران‌کننده‌ی فکری بیش‌تری را در پی داشت.

به‌زودی آشکار شد که در برخی موارد، چینی‌ها به اندازه‌ی غربیان کارآمد نیستند: خوب نمی‌جنگیدند، ریاضی‌دانان خوبی نبودند و احاطه‌ی کمی بر علوم داشتند؛ درخصوص ماشین‌آلات اطلاعات اندکی داشتند و بنابراین نمی‌توانستند چنان‌که معمول بود در حجم انبوه به تولید کالا بپردازند.

در ابتدا این مسائل فشار زیادی بر چینیان وارد نمی‌ساخت. به هر حال، این‌ها عمدتاً موضوعاتی مادی بودند که احتمالاً می‌شد انتظار داشت «بربرها» (چینی‌ها غربیان را بربر می‌پنداشتند) در آن‌ها برتری داشته باشند و از دیگران پیشی گیرند. می‌دانیم که در زمان سقوط امپراتوری روم، بربرهای اروپای باستان در میدان نبرد